

پیش‌خوان

پژوهشی جامع در باب زندگی و تکاپوی «شیخ اعظم» اندر حالات و مقامات «صاحب مکاسب»

■ **محمد رضا کائینی**



«تراز سیاست» عنوان یکی از آثار تاریخی پژوهشی مورخ خبیر زنده‌یاد حجت الاسلام مورخ خبیر زنده‌یاد وال‌المسلمین استاد علی ابوالحسنی (منذر) است، که مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، این را نشر داده است. اهمیت این اثر در آن است که در وی مکاتبات والای علمی شیخ اعظم، زمانه و تدبیرهای وی را مدنظر داده و شواهد تاریخی موجود در این باره را، به اهل نظر عرضه داشته است. سبک زنده‌یاد ابوالحسنی در نگارش این اثر بسان دیگر آثار او، موشکافانه و نکته‌سنجانه است و اطلاعات را با دقت و تیزبینی، به خواننده عرضه می‌دارد و کمتر جای ابهام و نقطه تاریکی را، باقی می‌گذارد. از جمله نکاتی که از دیرباز درباره شیخ اعظم مطرح شده، منظر وی در باب ولایت فقیه است، که عده‌ای آن را دستاویز تحلیلهای نادرست خویش، درباره این موضوع ساخته‌اند. مؤلف فقید در بخشی از این اثر، به گونه‌ای بایسته به این امر پرداخته و دیدگاه‌های خویش را در این قفره، عرضه داشته است. ناشر در دیپاچه خویش بر این اثر گران، در باب ضرورت پرداخت به این دست موضوعات، تمیزات این اثر و موضوعات مورد بررسی در آن، چنین آورده است:

«تا به حال بیشتر آنچه راجع به شیخ اعظم فقا‌هت، آیت‌الله حاج شیخ مرتضی انصاری (۱۲۸۴–۱۲۱۴ ق) شنیده‌ایم، و جاهت کم‌نظیر ایشان در عرفان، اخلاق، کلام، فقه و افاضات علمی بوده است. ایشان در ۱۵ سال پایانی عمر خویش، سرآمد علمای شیعه و زعیم بی‌همتای جهان تشیع محسوب می‌شدند و مقبولیت و مشروعیتشان در



نقشی از چهر زنده‌یاد آیت‌الله مرتضی انصاری

بین عوام و علما، زاینده بوده است. با این تفاسیر، شیخ انصاری بی‌شک یکی از دانشمندان شناخته شده تاریخ هستند اما وجهه و بیش متعالی شیخ مرتضی در عرصه سیاست و مدیریت جامعه اسلامی، کاملاً ناشناخته باقی مانده و مؤلف با دغدغه بررسی و واکاوی این وجود ناشناخته و همچنین توجه دادن اهل علم به کاردانی، بصیرت و وجهت کم‌نظیر سیاسی – مدیریتی ایشان در تاریخ تشیع، دست به نگارش این کتاب ارزشمند زده و جازاز موضوع متفاوت و پرداخته نشده آن، این اثر از آن رو که در نگارش ۲۷۴ صفحه آن، از ۲۷۲ نفرنس معتبر مطالعاتی نام برده شده، حقیقتاً از لحاظ مستند بودن در نوع خود کم‌نظیر است. کتاب در شش بخش و ده‌ها فصل تنظیم یافته است. بخش ششم با عنوان «ضمائم»، ارائه مجموعه مقالات و مباحث پراکنده‌ای است در بصیرت سیاسی شیخ انصاری و برخورد هوشمندانه ایشان با پدیده‌هایی چون استعمار، استبداد و سایر بحران‌های سیاسی و اعتقادی زمانه خویش.

بخش اول و دوم کتاب، به تعریف از شرایط و اسلوب صحیح مدیریت در جامعه اسلامی می‌پردازد و علل شایستگی شیخ برای زعامت بر جهان تشیع را، بر اساس شواهد تاریخی بررسی می‌کند.

بخش سوم ابعادی از زندگی متعالی، اسلامی، عرفانی و اخلاقی شیخ انصاری را، به‌نظاره می‌نشیند و منشور چند بعدی «سیاست و تدبیر» ایشان را، تحقیق و بررسی کرده است. در بخش چهارم و پنجم هم – که شاید دغدغه اصلی مؤلف از نگارش این کتاب بوده است – به مباحثی چون اندیشه سیاسی و راهبرد عملی شیخ انصاری، نظریه ولایت فقیه شیخ انصاری، تفسیر شیخ از همبستگی دین و سیاست در همه شئون، پیش‌بین عمیق منطبق بر زمان ایشان، تعامل ایشان با علما و متبلقان و موارد دیگری از این دست، اشاره خواهد شد.

■ **انوشه میر مرعشی**

چهل روز پیش بود که عناصر تکفیری داعش، در منطقه دشت برچی شهر کابل، ۸۵ دختر دانش آموز معصوم را، با حمله انتحاری به خاک و خون کشیدند!اتفاق دردناکی که قلب همه آزادگان جهان را، یسه درد آورد و دوباره توجه‌ها را، به مسئله نبود امنیت در کشور افغانستان، به اشغالگری در کشور افغانستان و بحوث دست‌آموزشان یعنی «داعش» جلب کرد. به همین مناسبت و با گرامیداشت یاد دختران شهید مکتب سیدالشهدا(ع)، در این مقال نگاهی به تاریخ اشغالگری در کشور افغانستان و مقابله مردم عزیز این کشور، با دشمنان اشغالگر داشته‌ایم.

■ ■ ■

■ **«مردمان همسایه شرقی» در یک نگاه**

«افغانستان» از شمال به کشور ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان، از شرق و جنوب‌شرقی به کشور پاکستان، از شمال‌شرقی به چین و از غرب به ایران، محدود می‌شود. پایتخت این کشور کابل است و از جمله شهرهای مهم آن، می‌توان به قندهار، مزار شریف، هرات، میوند، خاش و جلال‌آباد، اشاره کرد(۱). مردمان این سرزمین، از نژادها و اقوام گوناگونی هستند. اقوامی چون «پشتون»-ها که خود از دو قبیله بزرگ ابدالی و قیلزایی تشکیل شده‌اند و به زبان پشتو، که مخلوطی از زبان فارسی و هندی است، سخن می‌گویند- «هزاره»-ها که در قسمت غربی افغانستان ساکن هستند، تاجیک‌ها که ۲۷ درصد جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند و مانند هزاره‌ها، به فارسی ذری سخن می‌گویند. همچنین اقوام ازبک، ترکمان، قرقیز و… که در شمال افغانستان ساکن هستند و به زبان ترکی آسیای مرکزی صحبت می‌کنند(۲). ۹۹ درصد مردم این کشور، مسلمان هستند که بیش از ۷۰درصد آنها، حنفی مذهب و حدود ۳۰ درصد مسلمانان آن را، شیعیان تشکیل می‌دهند. یک اقلیت بسیار محدود از سایر مذاهب، مثل هندو، بودایی و زرتشتی هم در افغانستان زندگی می‌کنند.(۳)

■ **حماسه دختر قهرمان میوند**

کشور افغانستان از دیرباز، بخشی از خاک ایران بود. بعد از قتل نادرشاه افشار توسط عده‌ای از فرماندهان لشکرش در سال ۱۲۴۶هـ شمسی، «احمدخان ابدالی» از خاندان سدوزایی، که جزو سرداران نادر بود، مقدمات استقلال افغانستان را فراهم کرد و بعد از مدتی هم، اعلام استقلال کرد.(۴) دولت ایران به هیچ وجه، این استقلال را به رسمیت نشناخت اما چند دهه بعد «دوست محمدخان بارکزایی» با استفاده

نظری به مبارزات مردم افغانستان با اشغالگران

به مناسبت چهلمین روز انفجار مکتب سیدالشهدای کابل

غریو فریاد مجاهدان افغان در تاریخ

از حمایت استعمارگران انگلیسی، توانست خاندان سدوزایی را ساقط کند و قدرت را به شکل کامل، در دست بگیرد. در این دوره متأسفانه انگلستان توانست با برتری نظامی و دسیسه، ابتدا افغانستان را در دوره ناصرالدین شاه قاجار، از ایران جدا کند و سپس این کشور را مستعمر خود کند(۵) اما در دست در این شرایط بود، که مردم مسلمان و غیور افغانستان، که نمی‌توانستند اشغال خاک وطن را تحمل کنند، دست به قیام علیه اشغالگران انگلیسی زدند. قیامی که در آن اقوام گوناگون افغانستان، علیه استعمارگران انگلیسی به پا خاستند. در واقع مردم افغانستان در فاصله سال‌های ۱۲۴۰ش. تا ۱۲۶۰ش. در چهار قیام بزرگ او قیام‌های کوچک محلی آ، با اشغالگران انگلیسی جنگیدند. اما شاید بتوان یکی از حماسی‌ترین این قیام‌ها را، قیام مردم منطقه میوند و شهادت دختر قهرمان آن منطقه دانست.

بعد از شروع قیام مردم غیور منطقه میوند علیه اشغالگران انگلیسی، جنگ با استعمارگران در شرایط سختی ادامه داشت، زیرا نابرابری سلاح و تجهیزات مردم میوند با ارتش تاین ندان مسلح انگلیس، زمینه را برای شکست قیام‌کنندگان فراهم کرده بود! آن‌وقت در آن شرایط دختر یکی از بزرگان میوند به نام «ملالی»- که در زمان قیام (سال ۱۲۵۹ هـ ش) تنها ۱۹ سال داشت- وقتی دید پرچم علمدار سپاه مردم میوند به زمین افتاده و بسیاری از مردان قویشان شهید شده‌اند، اسلحه به دست گرفت و شروع به جنگ با سربازان ارتش انگلیس کرد، تا اینکه به دست اشغالگران انگلیسی به شهادت رسید. در افغانستان نام بسیاری از مدارس، بیمارستان‌ها و مؤسسات، ملالی است.(۶)

مواجهه و مقاومت در برابر استعمار فرهنگی انگلیس بعد از این قیام‌ها، کشور استعمارگر انگلیس از اشغال کامل افغانستان و استعمار مستقیم آن ناامید شد، اما نقشه دوشمن یعنی روی کار آوردن حکومت وابسته به خود را، در این کشور اجرایی کرد. در این دوره و بعد از کشمکش‌های فراوان، بالاخره «عبدالرحمان خان» بعد از غلبه بر رقیب، بر کرسی قدرت نشست و با امضای معاهده با انگلیسی‌ها، توانست خود را پادشاه افغانستان بخواند. بعد از گذشت او در سال ۱۲۸۰ش. در کابل، پسرش «حبیب‌الله‌خان» پادشاه شد. جالب است که او هم برای تثبیت قدرتش در سال ۱۲۸۴ش. قراردادی به نام «معاهده خال» با انگلیسی‌ها بست. او در ۱۹ سالی که پادشاهی کرد، بسیاری از منافع و منابع افغانستان را، در اختیار انگلیسی‌ها گذاشت اما کاری به عقاید دینی مردم نداشت. در سال ۱۳۰۲

عاریخ

کفت وگور ۸۸۴۹۸۴۲۷



تگوریه ۱۹۸۰، حومه هرات، جمعی از مجاهدان افغانستانی پیش از روزپاروشی باآلای شوروی

قبل از ورود رسمی ارتش سرخ به افغانستان، به دلیل رفتار خشن افسران و سیاستمداران رژیم کمونیستی با مخالفان به ویژه جامعه مذهبی، بیشتر مردم افغانستان که متقید و مذهبی بودند و همچنان هستند، با حاکمیت کمونیست‌ها مخالف بودند. اما در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۸هـ ش، علمای دینی افغانستان در شهر پیشاور پاکستان، فتوای جهاد علیه حکومت کابل را صادر کردند. به دنبال صدور این فتوا، قیام‌های مردمی بسیاری در جای جای افغانستان شکل گرفت

افغانستان به بار آورد.(۹) البته در همان دوره و در اواسط سال ۱۳۵۷ش. با کودتا و با ریاست «حفیظ‌الله امین» بر سر کار آمد که گرایش کمونیستی داشت و مورد حمایت مستقیم کشور شوروی بود.(۱۰) به دلیل سیاست‌های ضددینی امین، مجاهدین افغانستان (شیعه و سنی) که خواستار برقراری احکام اسلامی در کشورشان بودند، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، روحیه‌ای مضاعف پیدا کردند و تحرکات خود را در مبارزه با حکومت او، بالا بردند. با پیوستن قبیایل مختلف افغان در شرق این کشور به صف مجاهدین، سرکوب قیام مجاهدین، از شوروی تقاضای کمک کرد. به این صورت که دولت افغانستان در ۲۵ فروردین ۱۳۵۸ ش. تقاضای اعزام ۱۵ تا ۲۰هلیکوپتر همراه با پرسنل مربوط به آن را، از کشور شوروی کرد و دولت شوروی هم طبعاً به تقاضای کمک دولت افغانستان، پاسخ مثبت داد و به این شکل، در دی ماه ۱۳۵۸ش. کشور شوروی رسماً به شکل نظامی، وارد خاک افغانستان شد و این کشور را به اشغال خود درآورد.(۱۱)

■ **مجاهدینی که با کمونیست‌ها جنگیدند**
قبل از ورود رسمی ارتش سرخ به افغانستان، به دلیل رفتار خشن افسران و سیاستمداران رژیم کمونیستی با مخالفان به ویژه جامعه مذهبی، بیشتر مردم افغانستان که متقید و مذهبی بودند، با حاکمیت کمونیست‌ها مخالف بودند. اما در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۸هـ ش، علمای دینی افغانستان در شهر پیشاور پاکستان، فتوای جهاد علیه حکومت کابل را صادر کردند. به دنبال صدور این فتوا، قیام‌های مردمی بسیاری در جای جای افغانستان شکل گرفت. قیام‌هایی چون قیام مردم صوف، قیام مردم هرات -که پس از ورود و دخالت ارتش سرخ در سرکوب این قیام، به شهادت ۲۴هزار نفر از مردم این منطقه منجر شد- قیام‌های عساکر و صاحب‌منصبان قرقه ننگ‌ها، قیام عمومی مردم کابل و… از دیگر قیام‌هایی بود که علیه کمونیست‌ها و اشغالگران ارتش سرخ در افغانستان، با نام «جمعیت اسلامی» به سر گذشت. او بعدها در یک توطئه مشترک با امریکایی و طالبانی، به شهادت رسید. وی استاد الهیات دانشگاه کابل بود و این جمعیت را نیز، به وسیله تعدادی از دانشجویان و افراد معتقد و تحصیلکرده این دانشگاه تشکیل داده بود. مثلاً «احمد شاه مسعود» در دوره دانشجویی اش، به این حزب پیوست. همچنین گروه‌های اسلامگرای دیگری بودند، که گرایش شدیدی به عربستان داشتند. گروه‌هایی چون حزب اسلامی به رهبری حکمتیار، اتحاد اسلامی به رهبری عبدالرسول سیاف و یا حزب حرکت انقلاب اسلامی به رهبری بنی‌محمدی، که فعالیت‌های مختلفی در میان طلاب علوم دینی مدارس مذهبی اردوگاه‌های آوارگان افغانستانی در پاکستان، تشکیل شده بود.(۱۲)

■ **نقش آفرینی امریکار در افغانستان برای مقابله با شوروی**

با شروع جهاد افغان‌ها علیه استعمار شوروی در قالب «جینش مجاهدین افغانستان»- که همان رزمندگان جهاد بودند- گروه‌هایی از آنها که به لحاظ عقیدتی قریب فکری با عربستان داشتند، دو سازمان افراطی را با نام‌های «جماعه التکفیر» و «الجهرة و جماعه المسلمین» را، با کمک عده‌ای از مبلغان وهابی عرب تشکیل دادند. این دو سازمان به همراه «حزب اسلامی حکمتیار» و «حرکت انقلاب اسلامی بنی‌محمدی»، از گروه‌هایی بودند که گروه طالبان را در افغانستان تشکیل دادند. نخستین کمک پنهانی تسلیحاتی نظامی امریکا به اسلامگراهای افراطی در سال ۱۳۵۸ش. و سپس به شکل علنی در سال ۱۳۶۵ش. و از طریق پاکستان انجام شد. کمک‌هایی که در سال‌های بعد هم ادامه پیدا کرد و پس از اخراج اشغالگران ارتش سرخ از افغانستان، برای مقابله با اسلامگراهای ضداستکبار غرب در این کشور، تداوم پیدا کرد.(۱۳) البته گرچه طالبان از اکثریت گروه قومی پشتون- به وجود آمده است و حدود ۴۰درصد جمعیت افغانستان را



اعضای از انفجار تروریستی مکتب سیدالشهدا(ع) کابل

جوان ۹

اروزنامه جوان |شماره ۶۲۲۹

تشکیل می‌دهند ولی این به معنای حمایت صدردصدی پشتون‌ها، از تفکرات انحرافی القاعده نیست. در واقع اکثریت اعضای طالبان کسانی بودند، که هرگز با کمونیست‌ها نجنگیده بودند، بلکه طلبه‌های دینی جوانی بودند که در صدها مدرسه الهیات اسلامی وهابون، در اردوگاه‌های آوارگان افغان در پاکستان، تفکر افراطی پیدا کرده بودند و رفتارها و تفکرات انحرافی آنها، ربطی به قومیتشان نداشت(۱۴).

■ **تشکیل دولت موقت و تصویب قانون اساسی**

با وجود اینکه طالبان توانسته بود کابل، شرق و جنوب‌شرقی افغانستان را به تصرف خود درآورد اما نیروهای مجاهد تحت رهبری «احمد شاه مسعود»- معروف به شیر پنج‌شیر- هیچ‌گاه اجازه ندادند که پای طالبان به منطقه پنج‌شیر و کوهستان سالنگ برسد! به هر حال رزمندگان مجاهد، همچنان در صحنه باقی ماندند و با ایثار بسیاری توانستند بعد از سال‌ها جهاد علیه طالبان، آنها را عقب رانده و شرایط را به سمت ناپودی طالبان پیش ببرند، که قاعدتاً این مسئله خوشایند امریکایی‌ها و حامیان القاعده نبود. به همین دلیل مأمورانی با نام القاعده، اما با ریاست سلاح و نقشه‌سازمان «سیا»! تنها دو روز مانده به ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱(۱۲۸۰ش). عده‌ای در قالب خبرنگار، مصاحبه‌ای با رهبر مجاهدان افغان ترتیب دادند، تا با به شهادت رساندن او، راه را برای اشغال کامل افغانستان به دست امریکایی‌ها و هم‌دستانش و غارت منابع این کشور توسط آنها باز کنند، اشغالی به بهانه حملات مشکوک به برج‌های دولقی تجارت جهانی در نیویورک. (۱۵) به این شکل در تاریخ ۱۶ مهر ۱۳۸۰ش. حمله رسمی هوایی ارتش امریکا و انگلستان به افغانستان آغاز شد. حمله‌ای که بعد از یک ماه و نیم، در نهایت به فرار نیروهای طالبان از کابل و سقوط کامل حکومت ایشان انجامید. به این ترتیب «برهان‌الدین ربانی» به شکل موقت، سکان دولت را در کابل به دست گرفت. بعد از آن البته، مجلس لویی جرگه اضطراری در تاریخ ۲۱ خرداد ۱۳۸۱ش. و لویی جرگه قانون اساسی در تاریخ ۲۳ اذر ۱۳۸۳ش. با حضور نمایندگان قیایل و اقوام افغان، تشکیل شد.(۱۶) قاوس اساسی نوشته شد، اما متأسفانه بعد از آن، حضور اشغالگران امریکایی در افغانستان تثبیت شد. اتفاق نامبارکی که تا امروز ادامه دارد و البته مبارزه سیاسی و مدنی مردم افغانستان هم، برای اخراج اینها ادامه دارد. اگر چه حوادث تلخ تروریستی و حملات انتحاری اعضای داعش مورد حمایت امریکا، از جمله شهادت دختران دانش‌آموزان مکتب سیدالشهدا(ع)، نشان داد که گویا مبارزه سیاسی و ددیمطلبی برای اخراج اشغالگران امریکایی، کافی نیست و لازم است مردان مجاهد افغانستانی برای مقابله با تروریست‌ها و اخراج اشغالگران، دوباره به میدان بیایند. آینده افغانستان را، همچنان مقاومت و مبارزه مردم افغانستان رقم خواهد زد، امری که تاریخچه این کشور- که در این مقال به بخشی از آن اشارت رفت- شاهدهی بر این مدعاست.

منابع:
۱- شاملوئی، حبیب‌الله، «جغرافیای کامل جهان»، انتشارات بنیاد، چاپ ششم ۱۳۶۳ش. ص۷۸
۲- رشید، احمد، «طالبان»- زنان، تجارت مافیا و پروژه عقلمیه نفت در آسیای مرکزی-، ترجمه دکتر نجله خندقی، نشر بقعه، ۱۳۸۱ش. ص۳۹
۳- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، کتاب «افغانستان»، نشر وزارت امور خارجه، چاپ اول ۱۳۸۶ش. ص۲۳
۴- شاملوئی، حبیب‌الله، «جغرافیای کامل جهان»، انتشارات بنیاد، چاپ ششم ۱۳۶۳ش. ص۷۹
۵- دانشنامه دانش گستر، جلد۲، مؤسسه علمی و فرهنگی دانش گستر، تهران ۱۳۸۹ش. ص۶۷۹
۶- محسنی (حکمت)، محمد، صدف، «زنان در افغانستان»، فرست‌ها، جاش‌ها و راهکارها،-مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)-قم-، چاپ اول ۱۳۷۰ش. ص۳۶
۷- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، کتاب «افغانستان»، نشر وزارت امور خارجه، چاپ اول ۱۳۸۶ش. ص۳۹ و از ص ۱۵۵ تا ۱۶۲
۸- تقوی، امیر، «شنایی با کشور افغانستان»، نشر مناسبات خارجی و امور نهضت‌ها، چاپ اول ۱۳۹۱ش. ص۵۷
۹- دانشنامه دانش گستر، جلد۲، مؤسسه علمی و فرهنگی دانش گستر، تهران ۱۳۸۹ش. ص۶۷۸
۱۰- شاملوئی، حبیب‌الله، جغرافیای کامل جهان، انتشارات بنیاد، خرداد ۱۳۶۳ش. ص۷۹(تاریخ استقلال افغانستان)
۱۱- اعتماددانشیار، امیر، «جنگ افغانستان و شوروی»- عامل فروپاشی جهانی کمونیسم-، انتشارات بهینه، چاپ ۱۳۷۱ش. ص۳۰۷ تا ۳۰۹
۱۲- ماسدن، پیتر، «طالبان»- جنگ، مذهب و نظام جدید در افغانستان- ترجمه کاظم فیروزمنده، نشر مرکز، چاپ دوم بهار ۱۳۸۸ش. ص۵۴ تا ۵۸
۱۳- همان، ص ۵۳
۱۴- رشید، احمد، «طالبان»- زنان، تجارت مافیا و پروژه عقلمیه نفت در آسیای مرکزی-، ترجمه دکتر نجله خندقی، نشر بقعه، ۱۳۸۱ش. ص۳۹ تا ۳۵
۱۵- جعفریان، محمدحسین، «در پایتخت فراموشی»، سوره‌مهر، چاپ ۱۳۹۱ش. صفحات ۱۱۳۱، ۱۸۸ و ۱۹۰
۱۶- تقوی، امیر، «شنایی با کشور افغانستان»، نشر مناسبات خارجی و امور نهضت‌ها، چاپ اول ۱۳۹۱ش. ص۶۷